

از مهم ترین پدیده های تعامل انسان و رسانه های نوین: بحران هویت نقطه مهمی از تعامل انسان و رسانه های نوین ...

امام علی (ع)

ای مردم! انسان هرچند که ثروتمند باشد از عشیره اش بی نیاز نیست که از او یا دست و زبانش دفاع کند

شماره ۲۵ - هفته چهارم بهمن ۱۴۰۰



از مهم ترین چالش های انسان مدرن در تعامل با رسانه

بحران هویت در عصر اطلاعات

امیررضا پشتیان



صفحه ۲

در این شماره | می خوانیم ...



سخن سردبیر

در بیست و پنجمین شماره حنیفا که آخرین شماره از فصل سوم فعالیت های مسیر دور و دراز این قطار پر جوش و خروش است، سعی بر این بوده که نشریه ای دانشجویی با رویکرد رسانه ای و مسئله مند که رویداد های اخیر سپهر فرهنگ و رسانه کشور تحت پوشش مطالب تحریریه خود قرار داده به مخاطبان ارائه شود، قطعاً همچون هر فعل انسانی دیگر این مطالب نیز عاری از ایراد نیست و این درخواست تحریریه حنیفا از مخاطبان خود است که در فصل بعدی فعالیت های ما که از شماره بعدی آغاز می شود بیش از پیش با دید نقادانه همراه ما باشید و اکتش دهید و همراهی کنید که رشد و تعالی نگارنده و مخاطب که هدف غایی ماست شکل پیدا نمی کند مگر با همراهی و بازخورد های مخاطب و طبعاً اصلاح و پیشرفت نگارنده، امید است در فصل بعدی از فعالیت های حنیفا و شماره های آتی این تعامل بیش از پیش شکل بگیرد.

صفحه ۳

واژه منافق از صدر اسلام و حتی
ماقبل آن تا امروز...

نفوذ در رسانه شلیک بر فرهنگ

صفحه ۳

افزایش میزان مخاطب، یکی از
اصلی ترین ...

رسانه شناسی: رنگین ترین رسانه

صفحه ۴

انقلاب ها پدیده های بزرگ
تاریخ و نقاط عطف...

استحاله سیاسی

صفحه ۴

آوینی پیروزی انقلاب اسلامی
را تنها تجربه ای...

برخلاف جهان

صفحه ۵

در مصاحبه ی حنیفا با سید
علی سیدان مطرح شد...

تلاش برای شکست هژمونی سینمای اجتماعی

صفحه ۵

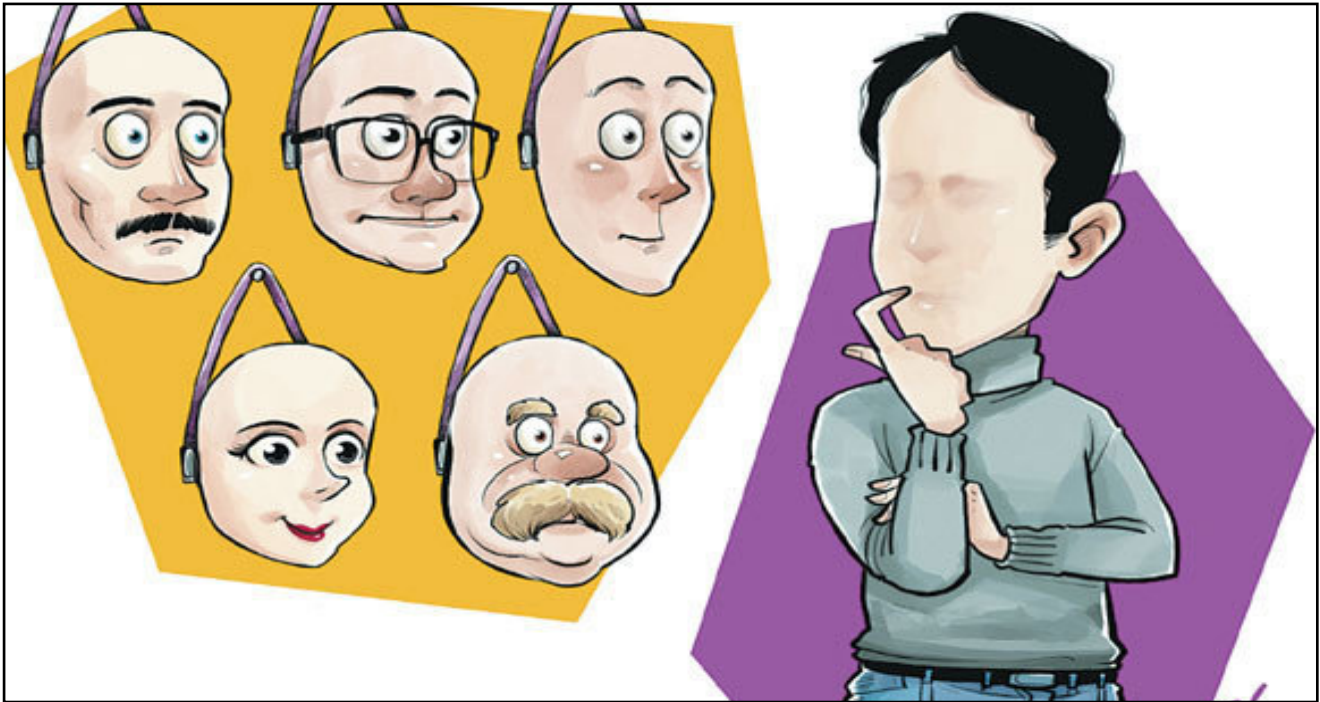
جشنواره فیلم فجر مهم ترین
رویداد سینمایی ایران...

درباره جشنواره فیلم فجر

بحران هویت در عصر اطلاعات

از مهم ترین چالش های انسان مدرن در تعامل با رسانه

امیررضا پشتیبان



می شود و نتیجه آن به وجود آمدن یک انسان تک ساختی است. همچنین مسئله دیگری که وجود دارد آن است که رسانه های جدید به دلیل تعاملی بودن (interavtive) مخاطب را مجبور به درگیری با خود میکنند برای مثال شما نمیتوانید در جامعه فعلی باشید اما تلویزیون نداشته و از شبکه های اجتماعی استفاده نکنید چرا که از صدر تا ذیل جامعه از آن استفاده کرده و شما چاره ای جز کنار آمدن با این وسایل ندارید. حال سوال اصلی آن است که چه میتوان کرد؟ به نظر میرسد پاسخ در فهم رسانه و به کارگیری آن در جهت حفظ و تدام سنت گذشته خود است. هویت اجتماعی متأثر از فرهنگ جامعه است و فرهنگ نیز دارای عناصر اصلی باورها ارزشها و هنجارها است به نحوی که ارزش ها تجلی گاه باورها و هنجارها تجلی گاه ارزش ها میباشند لذا فرهنگ را راه و روش زیستن نیز خوانده اند و این هشدار جدی می باشد چرا که رسانه می تواند خلاف جهت فرایند حاکم بر جامعه حرکت کرده و تغییراتی را در مراحل شکل گیری هویت ایجاد کند که از سطح تغییرات سطحی شروع شده و با تأثیر گذاری بر سه عنصر هنجار، ارزش و باور دگونی و آشفتگی هویتی را رقم میزند، آشفتگی که نمود آن را در رفتار اجتماعی جامعه امروز مشاهده میکنید جامعه ای که در آن با وجود نمادهای برجسته دینداری وضعیت نامناسبی در رعایت هنجار های اجتماعی دارد.

اجتماعی بی پایه و سست باشند. حال نقش رسانه ها در این بلبشو چیست؟ در اصل نقش رسانه ها خلق معنا و باز تولید آن است با گسترش رسانه ها منابع نمادین دائم در معرض تحولات جدید است چرا که به قول بزرگی رسانه ها آنقدر از اطلاعات متفاوت اشباع میشوند که دیگر نمیدانیم چه چیزی را میدانیم و چه چیزی را میخواهیم. در دوره کنونی که عصر اطلاعات نامیده میشود فرآیند شکل دهی به «هویت خود» به دلیل آنکه افراد به منظور ساخت هویتی منجمد به منابع خود روی می آورند فرایند «خود شکل دهی» شان بازتابی و بازتر می شود و دامنه انتخاب های در دسترس افراد به شدت افزایش پیدا می کند و انسجام ارتباط بین شکل دهی خود و کانون های هویت بخش سست می شود. به جرئت می توان گفت فناوری های جدید اشکال هویت های ملی و قومی و فرهنگی را تغییر داده و جغرافیای جدیدی را ایجاد کرده اند که بر مبنای جریان اطلاعات و نشانه ها است فلذا در عصری که مفهوم ملت دچار ابهام شده و مقولاتی همچو هویت ملی، نژادی و فرهنگی قدیمی شمرده میشوند اعضایش نه تنها همانند اعصار گذشته حافظه فرهنگی پر مایه ای ندارند بلکه مزین به تاریخ هم نیستند. اگر بخواهیم دقیق تر بگوییم در این عصر هویت افراد ایجاد نیاز های کاذب توسط یک نظام استبدادی رسانه ای می باشد، نظامی که در آن هویت افراد همچون قطعات قابل تعویض ماشین سرمایه داری قابل تعویض

به راستی که هویت چیست؟ چه ابعادی دارد؟ از چه موادی تشکیل شده؟ ثابت است یا متغیر؟

آورده اند که فرایند هویت یک سیستم کنترل است که مجموعه ای هنجاری و ضد هنجاری را در فرد و جامعه به وجود می آورد در اصل هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش های اجتماعی به فرد القا می کند و مجموعه معانی را برای فرد تولید می کند که مرجع کیستی و چیستی او را شکل می دهد. در حقیقت نکته مهم که شالوده اصلی این بحث می باشد آن است که هویت مفهومی مرتبط با حوزه معنا می باشد و معنا خصیصه ذاتی فرد یا جامعه نیست بلکه محصول توافق ها عدم توافق ها است. در حقیقت ما دیگر در جهانی پیشامدرن زندگی نمیکنیم که در آن به دلیل عواملی همچون نظام خویشاوندی، جهان بینی محدود و حفاظت اسطوره های کهن از هویت افراد مسئله هویت مطرح نباشد بلکه در جهانی زیست میکنیم که به علت افزایش تولیدات تصویری و تکرر واسطه های فرهنگی افراد را با بحران هدایت گری یا مرجعیت اجتماعی مواجه میکند این اصطلاحی است که بودریلارد در مورد نظم اجتماعی آسیب پذیر جامعه ی کنونی به کار برده است و به نظر از اصطلاح درستی استفاده کرده است چرا که همین نقص و عدم تناسب مراجعه و هدایتگری اجتماعی کنونی موجب آن شده که افراد پیوسته به جستجوی مراجع اجتماعی حول محور حرکت ها و جنبش های

نفوذ در رسانه شلیک بر فرهنگ

کوثر خدایاری



اصلی خود را نمایان می کند و آماده نبرد آشکار می شود. حکومت جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا در نبرد با منافقین پیروز میدان بوده است. مخالفین انقلاب همچون مسعود و مریم رجوی هر چند که به ظاهر طرفدار انقلاب بودند اما کم کم چهره خود را آشکار کردند و به مخالفت واضح با بیانات امام خمینی ایستادند. آنها حتی از حملات هکری در صداوسیما و جنایات تروریستی دریغ نکردند اما سرانجام توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به سزای اعمالشان رسیدند. تاریخ انقلاب اسلامی شهادت شهید صیاد شیرازی را فراموش نخواهد کرد و رشادت سبز پوشان انقلابی را در گرفتن انتقام خون این شهید والامقام به یاد می سپارد. مردم ما برای پایداری این نظام چه سردارانی، چه جوانانی و چه اندیشمندانی را فدا کردند؛ خون هایی که منافقین ریختند اکنون خون غیرت و جوانمردی است در رگ های ما انقلابی ها. رسانه و سیستم اطلاعاتی و امنیتی حکومت ما آنقدر مستحکم و قدرتمند است که اگر شلیکی را احساس کند آن را بی جواب نمیگذارد. حکومت ما، مردم ما، مقاوم اند. ملت انقلابی می داند منافق کیست و چه می خواهد پس خلاف جهتی حرکتی نمی کند که خواسته ی دیگری است. کم نیستند صیاد شیرازی هایی که اکنون هم هدف ترور منافقین اند. اما منافق می داند هیچ تیری بی جواب نخواهد ماند.

واژه منافق از صدر اسلام و حتی ماقبل آن تا امروز برای ما آشنا است. کسانی که در دل، پایبند به یک اصل، به یک دین و یا به یک حکومت نیستند اما در ظاهر پیرو آن خط مشی هستند. برای مثال یهودیان صدر اسلام در ظاهر موافق اصول دین نبوی بودند اما در دل علیه پیامبر (ص) توطئه چینی می کردند و یا در زمان حکومت پهلوی اشخاصی چون مسعود رجوی، که از اعضای مرکزی سازمان مجاهدین خلق در دهه آخر حکومت پهلوی و رهبر سازمان و مسئول شورای ملی مقاومت ایران بود، مقام و جایگاه او خبر از انقلابی بودن او می دهد اما همه این ها چیزی جز ریا نبودند. تفنگی که در دست منافقین است هدف های بسیار دارد؛ گاهی شلیک به فرهنگ است، گاهی شلیک به فردی است که سرمایه و دارایی یک جامعه محسوب می شود و گاهی شلیک به رکن اصلی جامعه (رهبر) است. چهره منافق پنهان است؛ اسلحه اش را مستقیم به سمت جامعه نشانه نرفته، بلکه به رسانه شلیک میکند. در روزگاری که مردم سرگرم فضای مجازی و رسانه ای هستند و اخبار و گزارش های روز را از رسانه های مجازی دریافت می کنند، نفوذ به این فضا، نفوذ به افکار مردم است. مردمی که تقریباً بیشتر وقت خود را صرف گشتن در فضای مجازی می کنند. جنگ منافق در ابتدا جنگ نرم است؛ اگر بتواند به برنامه ها و اهداف خود برسد به آن ادامه می دهد اما اگر از طریق جنگ نرم و رسانه ای کاری از پیش نبرد، چهره

افزایش میزان مخاطب، یکی از اصلی ترین دغدغه های رسانه هاست. رسانه برای اینکه بتواند مخاطب خود را به خوبی جذب کند، ناچار است پیامی زیبا و با کیفیت تولید کند. هر رسانه ای با توجه به افراد و فرهنگ خاص خود زیباشناسی را تفسیر میکند و به عرصه نمایش میگذارد. اما این نکته وجود دارد که رسانه میتواند معیارهای زیباشناسی ما را دستخوش تغییر کند. گاهی اوقات این فرآیند، پیچیده و ماهرانه است؛ آن چنان که در مدتی کوتاه ممکن است عقاید و باورهای یک شخص دستخوش تغییر شود، بدون آنکه خود فرد متوجه این فرآیند باشد. یکی از شاخص های اصلی زیبایی، نظم و تناسب است. مجموعه عالم، یک نظام بزرگ است که تحت حاکمیت خداوند قرار دارد و کمترین به هم ریختگی و نابسامانی در آن وجود ندارد و هر چیزی در جایگاه خودش دارای نظم است و بر خلاف آن بی نظمی یعنی نبود چیزی در جایگاه حق خودش. البته نکته ای که حائز اهمیت است این است که یافتن حق، هم نیازمند استمرار در فهم و همچنین ممزوج بودن فرد در جایگاه حق است. فردی میتواند پیامی را مبتنی بر حق تولید کند که در جایگاه حق زندگی کند، و این حالت زمانی ایجاد میشود که فرد از زیبا دانستن هر چیزی که عرف و جامعه می پسندد دور شود و مخاطب و جامعه را با زیبایی های واقعی آشنا کند. نکته ای که باید به آن توجه کنیم مسئله فطرت است؛ اما فطرتی که انسان با بدی و غفلت آن را پوشانده باشد و خاموش باشد انسان را به مرده متحرک تبدیل میکند و آن را در تشخیص خوبی ها و بدی ها ناتوان جلوه میدهد. انسانی که فطرتش را بدی و غفلت



اندیشه آوینی

خلاف جهت جهان

آوینی پیروزی انقلاب اسلامی را تنها تجربه ای میداند که حقیقت آنچه که هست را به مردم جهان نشان داد و آن حقیقت، حاکمیت ابرقدرت ها و ادامه سلطه آنها بر جهان و تلاش ایشان برای حفظ موقعیت استکباری خویش است. او رمز پیروزی انقلاب را در ره شدن از اقتصاد دیکتاتوری می داند و کشور را در راهی که به نفی دیکتاتوری اقتصادی می انجامد، میبیند. به عقیده شهید آوینی، غرب نیز از این مسئله آگاهی دارد و تلاش میکند تا با فشار اقتصادی حاکمیت را از اعتقادش منصرف کند. این موضوع را به خوبی میتوان در حدود ۴۵ سال بعد از پیروزی انقلاب دید. فشارها و تحریم های اقتصادی و قطعنامه هایی که در طی این چندسال، علیه کشور وضع شد نشان از عزم راسخ غرب دارد. بر اساس اندیشه آوینی، در اقتصاد کنونی که وابسته به تکنولوژی است، اندکی وقفه در چرخه اقتصاد، ضررهای زیادی را متحمل کشورها میکند و ملت یک کشور حاضرند فرهنگ و اخلاقشان را فدای این چرخه کنند اما در سمت دیگر، اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی، این فدا کردن را مجاز نمیداند و نشانه آن هم محاصره ۳ ساله پیامبر و یارانشان در شعب ابی طالب است. به همین دلیل است که در بدنه انقلاب اسلامی تسلیم در برابر نیازهای اقتصادی بی معنی است و همواره باید برای چرخه اقتصادی در کشور تلاش کرد و دست نیاز به سمت کسی دراز نکرد. این استقلال اقتصادی به راحتی بدست نیامده است و جان های بی شماری برای پاسداری از آن فدا شدند. پس نمیتوان به راحتی آن را از کف داد. ما بر خلاف همه دنیا تابع اعتقادمان هستیم نه اقتصادمان و رمز پیروزی انقلاب ما، استقامت ما است.

ضحی فائق

استحاله سیاسی

الهام کریمی

«کوچکترین انحراف از حقیقت بعدها هزار برابر میشود.» سیاستمداران نظام، باید مردم را در جریان تصمیمات سیاسی خود و مواضع نظام قرار داده و با منش خود، فرهنگ سیاسی را اصلاح کنند؛ که اگر چنین نکنند بازار شایعه سازی و سیاست زدگی را داغ کرده و نتیجه آن بیگانگی ملت از انقلاب خواهد بود؛ کاری که جامعه اطلاعاتی امروز به زیرکی انجام میدهد. در شرایط کنونی در برهه ای هستیم که از رسانه، اطلاعات سیاسی فراوان و در لحظه می گیریم اما دانش عمیق و منسجمی را نه. تعداد بالای اخبار و تولیدات رسانه ای، اغلب فرصت یا علاقه ای برای دنبال کردن اصل ماجرا نگذاشته اند. آرمان گرایی مبتنی بر واقع بینی نیز معطوف به واقعیت هایی شده که باز هم رسانه ها اعم از داخلی و خارجی بازنمایی آن را به عهده گرفته اند. در چنین شرایطی که حکومت و احزاب برای آموزش تشکیلاتی و ارتقای اصولی فرهنگ سیاسی مردم برنامه راهبردی ندارند، نه تنها مواضع اساسی انقلاب شفاف نشده بلکه دچار

انقلاب ها پدیده های بزرگ تاریخ و نقاط عطف دوران های زندگی بشر به شمار می روند. خشم و هیجان برآمده از دل مردم و تلاش برای دگرگونی بنیادین جامعه، در نهایت ظالم ترین حکمرانان را به زانو درآورده. با فرونشستن التهابات، اغلب مردم کم کم به روال عادی زندگی خود باز میگردند. با شرایط جدید خود می گیرند و درگیر معاش، روزمرگی ها و گذران امور می شوند. اینجاست که حفظ و حراست از انقلاب، ضروری تر از وقوع آن رخ می نماید. این خصلت انقلابیهاست که پس از مدتی از هسته اولیه ی آرمان های خود به دلایل گوناگون فاصله می گیرند. اما خطر اصلی آنجاست که این شکاف به قدری وسیع شود که با وجود حفظ ساختار ظاهری و حقوقی، ماهیت و جوهره انقلاب از درون تهی شده و دچار استحاله گردد. خطر و آسیب چنین وضعی از براندازی اصل آن انقلاب، بسی بیشتر و سهمگین تر است و این دگرگونی برای هیچ نوع انقلابی دور از ذهن نیست. یکی از عوامل متعددی که در این زمینه



تحریف نیز میشود و همچنان نرم و بی صدا به سوی استحاله سیاسی و فرهنگی در حرکت خواهیم بود. بنابراین، انتظار دشواریست که نسل های پیش رو به عنوان صاحبان و حافظان بعدی انقلاب، قادر باشند به درستی ماهیت آن را فهمیده و مواضع آن را حراست و تبیین کنند.

می بایست اشاره شود، فرهنگ و آگاهی سیاسی ملت است که به طور ویژه و حساسی با خود حکومت و دست اندرکاران آن به عنوان الگوی مردم، تنیده شده. ماهیت سیاسی و تاریخی انقلاب اسلامی ایران، اصل مهمی است که بایستی به طور صحیح برای ملت امروز یادآوری و برای فرزندان پا به عرصه گذاشته آنها تبیین و روشن گردد. جمله ایست منسوب به ارسطو که می گوید:

تلاش برای شکست هژمونی سینمای اجتماعی

مهدی زواران حسینی

وارد و بومی می‌شود. آیا در جشنواره امسال شاهد پیشرفت فیلم‌ها از لحاظ فنی و محتوایی بوده‌ایم؟ امسال هم همان تسلط سینمای اجتماعی وجود داشت اما کمی تلاش شد که این هژمونی بشکند. در فیلم‌های امسال فیلمی را داشتیم که به کلی از این فضا دور است؛ مانند فیلم بیرو که یک فیلم فانتزی درباره یک قهرمان ورزشی است. پیشرفت دیگر که در این جشنواره به چشم می‌خورد این است که کمی راه برای فیلم‌های دفاع مقدس باز شده است. شاید بعد از مدت‌ها یک فیلم دفاع مقدسی به معنای خالص ترو ناب‌تر قضیه را دیدیم. فیلمی که شهید دارد، خط مقدم دارد، جبهه دارد، فداکاری دارد و معنویت دارد. فیلمی که جنگ در حاشیه آن نیست. خود جنگ و دفاع برایش مسئله است. همچنین وجود بعضی از فیلم‌ها در این جشنواره نشان‌دهنده شکل گرفتن سینمای قهرمانی و سینمای امنیت ملی است. نکته دیگر بازتولید فیلم‌های تاریخی در سینمای ایران است. مثل فیلم دوم آقای ربیعی که به نظر من فیلم خوش ساختی است. حضور فیلم سازه‌های جوان فیلم اولی و فیلم دومی در جشنواره که در جریان انقلاب اسلامی فعالیت می‌کنند اتفاق مهمی است که می‌تواند آینده‌دار هم باشد. مثل حسین دارابی و منیر قیدی. خانم قیدی مسئله زن و جنگ را در اثر دوم خود پیش برده است و این نشان می‌دهد که او مسئله دارد و مثلاً چهار سال صبر می‌کند تا مسئله‌اش را به فیلم تبدیل کند. از نظر فنی، اگر منظور شما مسائل تکنیکی باشد، شما می‌بینید که فیلمسازهای جوان دارند فیلم ساختن را یاد می‌گیرند. اینکه چگونه یک فیلم را از آب در بیاورند و فیلم، حداقل اقتضای دکوپاژی نداشته باشد و نازل و سطح پایین به نظر نیاید. ما از لحاظ تکنیکی تقریباً شرایط بدی نداریم. با اینکه هنوز فیلمسازها در آن منظر کلی مشکل دارند. اینکه جای دوربین کجا باید باشد یا معنای مورد نظر منتقل شود. جای دوربین از این نظر جای کار دارد که آن چیزی را که می‌خواهد القا کند را نمی‌تواند به خوبی با دوربینش نشان دهد، هرچند که از نظر ظاهری فیلم‌ها سرو شکل خوبی پیدا کرده‌اند. از نظر فنی، جلوه‌های ویژه، تکنیک‌های فیلمبرداری، موسیقی، تدوین، اصلاح رنگ و ... کارهای خوبی شده است و از این لحاظ عقب نیستیم. برای مثال در جلوه‌های ویژه ما خیلی خوب پیشرفت کرده‌ایم. آن چیزی که باید روی آن تمرکز کنیم این است که آن مسئله شخصی و فردیت و منظر کلی هر فیلمساز چیست و چگونه می‌توان فیلمسازهایی داشت که صاحب این مسئله، فردیت و منظر باشند.

در این شماره از حنیفا پیرامون جشنواره فیلم فجر، مصاحبه ای داریم باجناب آقای سید علی سیدان روزنامه نگار حوزه علوم انسانی و از منتقدان آثار فرهنگی به عنوان سوال ابتدایی، جشنواره امسال را بطور کلی چگونه دیدید؟ ابتدا یک مروری بر سینمای ایران در دهه نود داشته باشیم تا ببینیم چه سیری را طی کردیم که به جشنواره چهلم رسیدیم. به لحاظ مضمونی و موضوعی در دهه نود ما سه دسته فیلم داریم. یک سینمای درام و ملودرام اجتماعی که پرتکرارترین فیلم‌ها در این دسته ساخته شده‌اند که شامل مضمون‌هایی از قبیل مهاجرت و قصاص و تجاوز و اعتیاد و ... است. یک جریان دیگر هم داریم که سینمای کمدی و فانتزی است. فروش اصلی سینمای ایران برای فیلم‌های این دسته است. البته این فروش نباید ما را مرعوب کند، زیرا پرفروش‌ترین فیلم‌های ما را چهار درصد مردم در سینما تماشا کرده‌اند؛ در حالی که مثلاً در سال ۱۳۶۹ توانسته بودیم هفتاد میلیون بلیت سینما بفروشیم؛ در حالی که این روزها این نرخ به حدود سالی سه چهار میلیون بلیت رسیده است. در ادامه بررسی جریان‌های سینمای دهه نود، به یک جریان سومی هم بر خواهیم خورد که همان جریان سینمای تاریخی-سیاسی است که شامل فیلم‌های جنگی، موضوعات امنیتی و سیاسی می‌شود؛ البته حتی در این دسته فیلم‌ها هم شما رگه‌هایی از تم اجتماعی را می‌بینید.

امسال حضور این سه دسته در جشنواره فجر چگونه بود؟

در جشنواره امسال، هیئت انتخاب، یک سری از فیلم‌ها را کنار گذاشت و سعی کرد که آن رنگ غالب سینمای اجتماعی را بشکند و یک تنوع ژانری و مضمونی نسبی را ایجاد کند. هرچند که در جشنواره امسال هم ما حدود ۱۲ فیلم درام و ملودرام اجتماعی داشتیم؛ اما به هر حال امسال در میان فیلم‌ها ما فیلم نوجوان، فیلم تاریخی، سایکودرام، نوار، تریلر، معناگرا و ... داشتیم. این تنوع در ژانر فیلم‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر سعی می‌شود فیلم‌هایی با موضوع‌هایی جدید در سینما اکران شود اگرچه سایه سنگین سینمای اجتماعی همچنان بر سینمای ایران حاکم است. البته فیلم‌های اجتماعی ما هم گاهی به سمت مضامین عشقی و رمانتیک رفته‌اند و از آن سینمای سیاه اجتماعی فاصله گرفته‌اند. این نکته هم مهم است که فیلم‌هایی ژانر، در این جشنواره، آشکارا ضعیف بود. چون هم تجربه سینمای ایران در این زمینه کم است و هم خود ژانر، به سختی از فرهنگ و بازار سینمای آمریکا به ایران

در باب جشنواره فیلم فجر

جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین رویداد سینمایی ایران بعد از انقلاب اسلامی است که در حال حاضر وضعیت بهتری نسبت به قبل دارد. در طول این ۴۳ سال شاید شاهد افت و خیزهای زیادی در فیلم‌های جشنواره بوده باشیم؛ اما در این مطلب قصد داریم نگاهی کلی به سیر فیلم‌های برنده بهترین فیلم در دهه اخیر و بخصوص چندسال اخیر داشته باشیم. اگر از حق نگذریم نقش پررنگ سینمای حماسه دفاع مقدس و حتی سینمای انقلاب را در این سالها نمی‌توانیم نادیده بگیریم؛ برخی هم در همین فضا مدعی طرفداری حکومت از فیلم‌های هم جبهه خود هستند ولی اگر با دقت بیشتر به فیلم‌های برنده در ژانر جنگی بپردازیم می‌بینیم که در سال‌های اخیر به پختگی ایده و محتوا و البته کارگردانی رسیده ایم و همینطور در هیچ کدام از این فیلم‌ها، بی‌مسئلی نمی‌بینیم. اکثراً از ماجرای نیمروز تا تنگه ابوقریب، از یدو تا موقعیت مهدی، وجه مشترک آنها همه در خلق ایده جدید بر اساس حماسه است.

علی‌رغم اینکه بسیاری از فیلم‌های جشنواره در سال‌های اخیر، به جای استفاده حداکثری از زمان و وقت مخاطب، به سمت کشش و دیالوگ‌های بی‌فایده و پرتنش رفته‌اند، اما در فیلم‌های برنده سیمرغ سال‌های اخیر، ضعف فیلم‌نامه بسیار کم شده و حتی در ارتقای سطح دغدغه‌مندی مخاطب گام‌های موثری برداشته‌اند. نکته مهم و مورد توجه این است که نباید تمام تمرکزمان بر روی حوزه دفاع مقدس و ژانر حماسی و جنگی معطوف شود. سینمای ما هنوز در ژانر‌هایی لنگ می‌زند که می‌تواند منبع قدرتی برای سینمای انقلاب اسلامی باشد. نقش زنان در انقلاب زیاد بوده است. پس از پیروزی انقلاب تا امروز هم واقعاً بانوان کشور در همه صحنه‌ها خیلی نقش داشتند و این حادثه خیلی بزرگ و شگفت‌آوری است. تصوّر من این است که بانوان در دوره پیش از انقلاب و در دوره آن رژیم، مورد ستم سیاسی و فرهنگی بودند؛ بیش از آنچه که در بعضی از خانواده‌ها ممکن بود مورد ستم قرار گیرند. به جای نقش آفرینی، آنها را به بیکاری و به ابتذال سوق میدادند. انقلاب حقیقتاً میدانی باز کرد و خانم‌ها بیش از آقایان در این قضیه فعالیت و حماسه خلق کردند.

محمد رضا جویباری

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

نشریه دانشجویی حنیفا

سردبیر: متین شریفی

مدیر مسئول: امیر محمد اصغری

hanifamag.atu@gmail.com

hanifamag_

hanifamag

۰۹۱۸۳۱۱۳۴۷۱